عکس: AP

سفری برای زمینه‌سازی جنگ

دروغ‌هایی که بنیامین نتانیاهو با هدف قانع کردن آمریکایی‌ها برای ورود به جنگ در خاورمیانه گفت

سامی العریان
استاد دانشگاه صباح‌الدین
زعیم استانبول

ترجمه: شهاب شهسواری / نخستین واکنش ایالات متحده آمریکا به ترورهای دوگانه اسرائیل در بیروت و تهران روز ۳۱ ژوئیه توسط لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا بیان شد. بلافاصله پس از ترور هدفمند اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، در ایران و فؤاد شکر، فرمانده ارشد نظامی حزب‌الله در لبنان، لوید آستین بار دیگر بر «حمایت بی‌قید و شرط» آمریکا از اسرائیل تاکید کرد و گفت که در صورت حمله به اسرائیل، آمریکا از آن دفاع خواهد کرد. همزمان با تشدید اقدام‌های تحریک‌آمیز نظامی اسرائیل، بیش از هر زمان دیگری روشن شده است که سخنرانی جنگ‌طلبانه هفته پیش نتانیاهو در برابر کنگره آمریکا در واقع باز کردن دروازه‌های جنگ گسترده‌تر منطقه‌ای با حمایت و تشویق قانون‌گذاران آمریکایی بود. در روزهای قبل و بعد از سفر نتانیاهو به واشنگتن، رژیم اسرائیل به بندر حدیده در یمن، مجدل شمس در بلندی‌های اشغالی جولان سوریه و محله ضاحیه بیروت در لبنان حمله کرد و تعدادی از شهروندان غیرنظامی را به قتل رساند و با ترور هنیه در تهران، مرزهای تازه‌ای را در نوردید.

تشدید تنش‌ها توسط اسرائیل در حالی رخ می‌داد که فلسطینیان سیصدمین روز از نسل‌کشی اسرائیل در غزه را پشت سر می‌گذاشتند که بر اثر آن تاکنون دست‌کم ۵۰ هزار نفر کشته‌شده‌اند و زیر آوار مانده‌اند و بیش از ۱۰۰ هزار نفر مجروح شده‌اند. در طول هفته گذشته بسیاری از ناظران گمانه‌زنی می‌کردند که پس از سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا و دیدارهای او با جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین و نامزد جمهوری‌خواهان برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و دیگر مقام‌های آمریکایی، به او چراغ سبز نشان داده‌شده که جنایاتش را بدون مانع ادامه دهد. بدون توجه به آنچه پشت درهای بسته گذشته‌است، نتانیاهو عزمش را برای یک جنگ تمام‌عیار بدون لکنت زبان بیان کرده‌است. این متهم به جنایات جنگی که به اهدافش در جنگ غزه نرسیده‌است در واشنگتن برطبل جنگ علیه ایران و استمرار نسل‌کشی فلسطینیان کوبید. با توجه به اینکه نتانیاهو از سفرش به واشنگتن برای گسترش جنگ بهره‌برداری کرد، آن هم با نتایج فاجعه‌باری که در طول هفته گذشته جهان شاهد آن بود، سوال اینجاست که از ابتدا چرا او را به واشنگتن دعوت کردند؟ این آرزومند سلطه منطقه‌ای چه دروغ‌هایی به کنگره آمریکا گفت تا برنامه‌های شیطانی خودش را به آنها قالب کند و چگونه توانست قسر در برود؟

> **نتانیاهو عزمش را برای یک جنگ تمام‌عیار بدون لکنت زبان بیان کرده‌است. این متهم به جنایات جنگی که به اهدافش در جنگ غزه نرسیده‌است در واشنگتن برطبل جنگ علیه ایران و استمرار نسل‌کشی فلسطینیان کوبید**

حفظ حیثیت

سخنرانی روز ۲۴ ژوئیه نتانیاهو در کنگره آمریکا در نخستین سفر خارجی او از زمان آغاز نسل‌کشی غزه در ماه اکتبر سال گذشته میلادی بود. هر چند نخست‌وزیر اسرائیل به چندین اتهام فساد توسط رژیم صهیونیست خودش متهم شده‌است و به اتهام جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در آستانه صدور حکم بازداشت توسط دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد، باز هم رهبران کنگره آمریکا او را به واشنگتن دعوت کردند. این چهارمین بار بود که نتانیاهو در مقابل جلسه مشترک کنگره آمریکا سخنرانی می‌کرد؛ این تعداد دفعات سخنرانی برای یک رهبر خارجی محسوب می‌شود. چنین «افتخاری» حتی نصیب دولتمردان امپراتوری بریتانیا و حتی رهبر نام‌آور بریتانیا در جنگ جهانی دوم، وینستون چرچیل هم نشده‌بود که فقط سه بار (در سال‌های ۱۹۴۱، ۱۹۴۳ و ۱۹۵۲) در برابر کنگره آمریکا سخنرانی کرد. جالب اینجاست که تاکنون تمامی دعوت‌ها از نخست‌وزیر جنگ‌طلب اسرائیل برای سخنرانی در کنگره، توسط رئیس‌جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا در دوران رؤسای جمهور دموکرات انجام شده‌است: دوران بیل کلینتون در سال ۱۹۹۶، دوران باراک اوباما در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ و دوران جو بایدن در سال ۲۰۲۴. هر یک از این دعوت‌ها تلاشی بود از روی بدطینتی برای نشان دادن سرسپردگی به اسرائیل با هدف دستاوردهای سیاسی علیه رقبای دموکرات‌شان. نتانیاهو در واپسین سخنرانی‌اش در مقابل مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۲۳، در مورد شکست‌ناپذیری اسرائیل و جایگاهش به‌عنوان بنیان امنیت، ثبات و رونق اقتصادی منطقه دادِ سخن داد. در سخنرانی سازمان ملل متحد در نقشه‌ای که در دست گرفت کل فلسطینیان و رنج‌های آنها را پاک کرد و اسرائیلی ترسیم کرد که تمامی سرزمین‌های تاریخی فلسطین در آن قرار گرفته‌بود. در این نقشه خطی از هندوستان، از طریق خلیج‌فارس، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و اردن به بندر حیفا در اسرائیل و از آنجا به اروپا کشیده‌شده‌بود. نتانیاهو در مورد این خط که کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) می‌نامید، لاف گزاف زد که اسرائیل نقش محوری در ساختار ژئوپلیتیک جدید خواهد داشت. اما بعد از حمله اکتبر حماس، کل این برنامه ممکن است هوا شود.

نتانیاهو بعد از اینکه با آغاز یک نسل‌کشی تمام‌عیار در غزه به هیچ‌یک از اهداف سیاسی و نظامی‌اش نرسید، حالا چه درون اسرائیل و چه در جامعه بین‌المللی به دلیل عملکردش در جنگ با دردسر مواجه شده‌است. جهان دیگر نمی‌تواند چشم‌پوشی کند. کشتار جمعی به رقم بی‌سابقه‌ای رسیده‌است و براساس برخی از تخمین‌ها کل قربانیان این جنگ ممکن است به رقم باورنکردنی ۱۸۶ هزار تن برسد. این رقم نزدیک به ۸ درصد از کل جمعیت غزه است و نزدیک به ۷۰ درصد از قربانیان، زنان و کودکان هستند. برای اینکه مبنایی برای مقایسه داشته‌باشیم، یکی از جنایت‌های فجیع در جنگ جهانی دوم، حمله متفقین به درسدن آلمان در سال ۱۹۴۵ بود که نتیجه آن ۳۰ هزار کشته از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت این شهر شد که کمتر از ۳ درصد جمعیت شهر بود.

سخنرانی نتانیاهو در مقابل کنگره آمریکا در طول ۵۵ دقیقه تقریباً ۸۰ بار با تشویق نمایندگان سرسپرده آمریکا قطع شد. (رکورد قبلی ۵۸ تشویق بود که سال ۲۰۱۵ رخ داده‌بود.) در شرایطی که نیمی از نمایندگان دموکرات هر دو مجلس آمریکا از جمله رهبران بلندپایه این سخنرانی را بایکوت کرده‌بودند (۱۳۱ نماینده بایکوت‌کننده در مقابل ۱۲۸ نماینده حاضر)، تنها یک نماینده جمهوری‌خواه، یعنی توماس میسی نماینده مجلس نمایندگان از کنتاکی از سخنرانی غایب بود. (مجموعاً ۲۶۷ نماینده دیگر جمهوری‌خواه در جلسه حضور داشتند.) عملکرد نتانیاهو رقت‌انگیز و پر از دروغ‌های واضح و از همه لحاظ گستاخانه بود. بر کسی پنهان نماند که او تلاش می‌کرد مشابه سخنرانی سالانه State of Union رؤسای جمهوری آمریکا در مقابل کنگره سخنرانی کند. او چندین سرباز اسرائیل و گروگان‌های پیشین را به نمایش گذاشت و داستان‌های ساختگی حماسی از یکی از تحقیرآمیزترین روزهای تاریخ رژیم صهیونیستی سر هم کرد. او ادعا کرد که ۱۳۵ اسیر و جسد را از غزه نجات داده‌است، درحالی‌که این واقعیت را پنهان کرد که تنها ۵ تن از آنها از طریق عملیات نظامی آزاد شده‌اند. بسیاری دیگر از این گروگان‌ها یا بر اثر بمباران غزه توسط اسرائیل کشته‌شده‌اند و یا بر اثر تلاش نافرجام سربازان اسرائیلی برای عملیات نجات. همزمان ۱۱۰ تن از اُسرا نوامبر سال گذشته از طریق یک توافق مذاکره‌شده به ازای ارائه کمک‌های بشردوستانه به فلسطینیان آزاد شدند. ضرورتی ندارد که اشاره کنم اگر نتانیاهو جداً علاقه‌مند بود به توافقی برای آزادی اُسرا برسد، هفته گذشته مذاکره‌کننده اصلی فلسطینیان را ترور نمی‌کرد. او در سخنرانی‌اش حاضر به پذیرش این موضوع نشد که دلیل نرسیدن به یک توافق تازه برای آزاد کردن بقیه اُسرای اسرائیلی، پافشاری او بر ادامه جنگ و عدم عقب‌نشینی از غزه است، مطالباتی که فقط از سوی فلسطینیان مطرح نشده‌است، بلکه در قطعنامه ۲۷۲۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد که ماه مارس گذشته صادر شد و همچنین در قطعنامه دیگر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه دسامبر سال گذشته میلادی

نگاه خارجی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفا جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

INTERNATIONAL CRISIS GROUP

اجتناب از جنگ منطقه‌ای همه‌جانبه در خاورمیانه

مجموعه‌ای از رویدادهای خشونت‌آمیز در هفته گذشته که آخرین آن‌ها ترور اسماعیل هنیه، رهبر شاخه سیاسی حماس و میهمان بلندپایه دولت ایران در ۳۱ ژوئیه در تهران بود، خاورمیانه را به آستانه یک جنگ همه‌جانبه نزدیک کرد. ترور هنیه منطقه را در انتظار انتقامی که رهبری ایران وعده داده، قرار داده است. در حالی که اسرائیل رسماً مسئولیت این ترور را به عهده نگرفته اما نشانه‌های غیرمستقیم حاکی از اجرای این ترور توسط اسرائیل است. یک روز قبل از عملیات ترور هنیه، اسرائیل یک فرمانده ارشد حزب‌الله را به همراه چند غیرنظامی و یکی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در حومه بیروت که بسیاری از حامیان این سازمان تحت حمایت ایران زندگی می‌کنند، هدف ترور قرار داد. سرنخ‌هایی از واکنش احتمالی ایران را می‌توان در موشک‌باران بی‌سابقه‌ای که در ۱۳ آوریل صورت داد، یافت. در آن زمان ایران در انتقام ترور افسران ارشد ایرانی در کنسولگری ایران در دمشق توسط اسرائیل، بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد به سوی اسرائیل فرستاد. همکاری ترکیبی اسرائیل و آمریکا و سایر پدافندها موفق به رهگیری همه پرتابه‌ها به جز تعداد انگشت‌شماری قبل از رسیدن به اهداف خود شدند. اما نتایج این حمله نمی‌تواند اثبات کند که ایران نمی‌تواند ضربه‌ای جدی به اسرائیل وارد کند. در واقع، دلایل زیادی برای این باور وجود دارد که تهران می‌خواست بدون وارد آوردن حداکثر آسیب، سیگنالی ارسال کند. این کشور به همسایگان عرب، آمریکا و اسرائیل هشدار داد که این پرتابه‌ها را شلیک خواهد کرد و در واقع به پاسخ دفاعی به حمله‌اش کمک کرد، هرچند که این دفاع به هیچ‌وجه آن را به یک عملیات بدون خطر تبدیل نکرد. این بار، ایران ممکن است احساس کند که تلاش برای دستیابی به بازدارندگی مستلزم حمله شدیدتری است. به‌طور مشابه، واکنش اسرائیل به بمباران ماه آوریل ممکن است بینشی در مورد چگونگی واکنش اسرائیل به حمله ماه اوت ارائه دهد. این مسئله نشان می‌دهد به هر میزان که تنش از سوی تهران افزایش یابد، به همان میزان اسرائیل پاسخ خواهد داد. اکنون سوال این است که آیا می‌توان تشدید تنش‌ها را که تقریباً به طور قطعی در راه است مهار کرده و از یک جنگ منطقه‌ای همه‌جانبه جلوگیری کرد؟ شاید مهمتر از همه این باشد که هم ایران و هم ایالات متحده بارها از طریق گفتار و عمل نشان داده‌اند که می‌خواهند از چنین سناریویی اجتناب کنند. ایران می‌داند که اگرچه تهران و متحدانش می‌توانند به منافع اسرائیل و آمریکا در خاورمیانه آسیب جدی وارد کنند، اما نمی‌توانند در رویارویی مستقیم با قوی‌ترین قدرت‌های نظامی منطقه و جهان پیروز شوند. علاوه بر این، بازیگران اصلی نشان داده‌اند که ابزارهای دیپلماتیک برای مدیریت بحرانی با این ماهیت را دارند. تجربه آوریل نشان می‌دهد که پیام‌های مستقیم بین ایالات متحده و اسرائیل، همراه با دیپلماسی قوی پشت پرده بین ایالات متحده و ایران، می‌تواند موثر باشد. نتیجه حمله ۱۳ آوریل ایران می‌توانست بسیار بدتر باشد اگر تهران از قبل آن را تلگراف نمی‌کرد، و اگر اسرائیل و متحدانش دفاعی قوی و عمدتاً موفق را پیش‌بینی نمی‌کردند. اسرائیل نیز می‌توانست با شدت بیشتری به این رگبار پاسخ دهد، اگر دولت بایدن در گفت‌وگوهای فشرده علیه آن رایزنی نمی‌کرد. با وجود همه این ملاحظات، خطر فراگیری آتش وجود دارد. هم به این دلیل که دو طرف به طور غیرقابل انکاری در حال افزایش تنش هستند و هم به این دلیل که موفقیت‌های گذشته در مورد مهار تنش ممکن است باعث ریسک‌پذیری و محاسبه اشتباه شود. اولین اقدامی که مطمئناً در حال انجام است، این است که طرفین از طریق همه کانال‌های مناسب تلاش کنند تا واضح‌ترین احساس ممکن از خطوط قرمز را در تبادل آتش احتمالی آینده بین ایران و اسرائیل منتقل کنند. این وظیفه کاخ سفید است که عواقب انحراف از خطوط قرمز را روشن کند. واشنگتن باید به تهران اطلاع دهد که هرچه جلوتر می‌رود، کمتر می‌تواند انتقام‌جویی اجتناب‌ناپذیر اسرائیل را محدود کند و خارج از برخی خطوط، خطرات غیرقابل کنترل خواهند شد. به اسرائیل نیز باید پیام سختی بدهد. واشنگتن باید به اسرائیل هشدار دهد که زمان، مکان و نحوه ترور هنیه، آشکارا بی‌ثبات‌کننده و تشدیدکننده تنش است و اکنون اسرائیل باید خودش بار این تنش را به دوش بکشد و بداند که آمریکا چک سفید امضا به اسرائیل نمی‌دهد.